

تاریخ، عقاید و سیر تحول

جنبش انصار الله یمن

محمد رئیسی



تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه	: رئیس، محمد، ۱۳۵۵.
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ، عقاید و سیر تحول جنبش انصارالله یمن / محمد رئیس.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص: مصور، جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۳۷-۸۷-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیفا
موضوع	: یمن (جمهوری) — تاریخ — اعتراض‌ها، ۲۰۱۱ م.
موضوع	: جنبش انصارالله یمن
موضوع	: یمن (جمهوری) — سیاست و حکومت — قرن ۲۱ م.
موضوع	: یمن (جمهوری) — تاریخ — قرن ۲۱ م. جنبش‌ها و قیام‌ها
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴، ۹، ی / ۲۴۷ D۵
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۳/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۱۱۰۸۵

www.asnoor.ir
Email: info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نام کتاب: تاریخ، عقاید و سیر تحول جنبش انصارالله یمن

نویسنده: محمد رئیس

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان گیلوانی

طراح جلد: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۴۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

فهرست مطالب

۱۹	فصل اول: پیشینه تاریخی و اصول اعتقادی زیدیه
۱۹	مقدمه
۲۱	۱. تاریخچه و اهمیت یمن
۳۳	۲. ویژگی های قبیله ای و مذهبی یمن
۳۴	۳. پیدایش، گرایش فکری و اصول فکری زیدیه
۴۰	۴. شرایط معاصر زیدیه و عوامل ضعف
۴۷	فصل دوم: روند پیدایش و تحویر جنبش انصارالله
۴۷	مقدمه
۴۹	۱. زمینه پیدایش جنبش انصارالله
۵۵	۲. اهداف و اصول فکری انصارالله
۵۸	۳. رهبران انصارالله
۶۵	فصل سوم: انصارالله و تقابل با ساختار سیاسی یمن
۶۵	مقدمه
۶۷	۱. جنگ اول صعده
۷۱	۲. جنگ دوم صعده
۷۲	۳. جنگ سوم صعده
۷۳	۴. جنگ چهارم صعده
۷۷	۵. جنگ پنجم صعده
۸۹	۶. جنگ ششم صعده
۱۰۵	فصل چهارم: انصارالله و انقلاب مردمی ۲۰۱۱
۱۰۵	مقدمه
۱۰۷	۱. نقش انصارالله در روند انقلاب یمن
۱۱۰	۲. انصارالله و جنگ عمران

۱۲۲	۳. انقلاب جرعه و تصرف صنعا
۱۳۸	۴. شکست تلاش‌های توافقی و رویارویی‌های دولت و انصارالله
۱۶۳	فصل پنجم: انصارالله و مداخله نظامی ائتلاف عربی
۱۶۳	مقدمه
۱۶۴	۱. پیشروی نیروهای انصارالله به جنوب و آغاز تجاوز سعودی
۱۶۷	۲. اقدامات و کنش‌های بازیگران مختلف در قبال حملات
۱۷۱	۳. جمهوری اسلامی ایران و بحران یمن
۱۷۵	۴. قاعده‌نامه شورای امنیت در مورد جنگ یمن و رویکردهای خارجی
۱۸۵	۵. ظاهیت‌ها و واکنش‌های انصارالله به تجاوز سعودی
۱۹۱	فصل ششم: روابط داخلی و خارجی انصارالله
۱۹۱	مقدمه
۱۹۳	۱. روابط داخلی انصارالله
۱۹۹	۲. روابط خارجی انصارالله
۲۱۳	نتیجه‌گیری
۲۲۱	ضمائم
۲۲۱	ضمیمه شماره ۱: طرح کمیته ملی ریاست جمهوری
۲۲۵	ضمیمه شماره ۲: متن توافقنامه صلح و شراکت ملی
۲۳۷	منابع

مقدمه

جنبش انصارالله را می‌توان یکی از جدیدترین و مؤثرترین جنبش‌های سیاسی و مذهبی در عرصه منطقه خاورمیانه محسوب کرد. این جنبش که در دوره بعد از آغاز جنبش مردمی در یمن از سال ۲۰۱۱ به این عنوان معروف شد، پس از برکناری علی عبدالله صالح به شهرت جهانی دست یافت. این جنبش از ریشه‌های بسیار طولانی و عمیق و از ابداد سخنان و مهمی برخوردار است. پیدایش انصارالله از یک سو از شرایط سیاسی و اجتماعی یمن و به ویژه ویژگی‌ها و فضای خاص استان صعده ناشی شده و از سوی دیگر از برندها و تحولات منطقه‌ای چند دهه گذشته به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیاپی منطقه‌ای آن تأثیر پذیرفته است. بر این اساس شناخت این جنبش به عنوان یکی از زیاده‌ترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در عرصه خاورمیانه مستلزم بررسی مسائل و عرصه‌های مختلفی است که به پیدایش، تکوین و نقش‌آفرینی انصارالله مربوط است.

در تبیین ضرورت‌های بررسی و شناخت انصارالله یمن می‌توان به مسائل و الزامات مختلفی توجه کرد. مسئله نخست در این خصوص اهمیت بالای تحولات یمن در معادلات پیچیده منطقه و جهان با توجه به تجاوز نظامی عربستان سعودی به این کشور است. در حالی که یمن تا سال‌های گذشته از اهمیت بالایی در سطح منطقه برخوردار نبود و تنها به عنوان کشوری کوچک و فقیر در شبه جزیره عربستان و در سایه سیاست‌های عربستان سعودی محسوب

می‌شد، تحولات چند سال اخیر این کشور را به یکی از حوزه‌های راهبردی و تأثیرگذار منطقه‌ای تبدیل کرده است. به رغم اینکه به لحاظ تاریخی و تمدنی، یمن از سرزمین‌های توسعه یافته در جهان عرب و از حوزه‌های تأثیرگذار در عصر اسلامی بوده، اما تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی به خصوص در قرن بیستم این کشور را از جایگاه واقعی و تأثیرگذار خود دور کرد. چرا که رقابت‌های بین قدرت‌های بزرگ جهانی و بازیگران منطقه‌ای یمن را به سوی چندپارگی و منازعات بی‌سرانجام و پرهزینه برد و در نهایت این کشور را در سایه سیاست‌های توسعه‌گرایانه همسایه‌های نزدیک قرار داد. به خصوص اینکه عربستان سعودی سعی کرد تا یمن را به کشوری ضعیف و تحت کنترل خود تبدیل کند و قدرت گرفتن یمن را به عنوان نقطه شروعی برای ضعف و بی‌ثباتی درونی خود تلقی کرد.

هر چند یمن در دوره حاکمیت امامان زیدی با نارضایتی‌های مردمی همراه بود، اما برافتادن حکومت امامان زیدی و ایجاد نظام جمهوری در این کشور نیز نتوانست به دوره‌ای از پیشرفت و توسعه برای یمنی‌ها بیانجامد. دوره جمهوری در یمن که تا زمان کنار رفتن صالح از قدرت حدوداً بیست دهه به طول انجامید با مناقشات و رقابت‌های بین شمال و جنوب و قسدها، اعراب و اتحاد و همچنین مداخلات خارجی مختلف همراه بود. با این حال از هنگامی که علی عبدالله صالح و حزب کنگره ملی توانست تسلط خود بر امور یمن را حفظ کرده و به کنترل عمده روندهای سیاسی و اجتماعی این کشور بپردازد، شرایط یمن به گونه‌ای دیگر تغییر کرد. در دوره حاکمیت علی عبدالله صالح بر یمن نوع نگرش وی به حکومت و شیوه حکمرانی‌اش در عرصه داخلی و همچنین نوع طراحی‌ها و مدیریت وی در سیاست خارجی باعث کاهش بیشتر جایگاه و منزلت یمن در عرصه منطقه‌ای شد.

علی عبدالله صالح و حزب کنگره مردمی قادر به تغییر مسائل اساسی سیاست در یمن از رقابت در مورد اهداف و برنامه‌ها به سوی کسب وفاداری شخصیت‌ها و رهبران قبایل بود و در نتیجه منابع کشور را به سمت تحقق اهداف محدود و تنگ‌نظرانه‌ای سوق داد. بر این اساس حزب کنگره مردمی تحت رهبری صالح دارای پیوندها و ارتباطات مهمی با رهبران قبایل و شخصیت‌های سیاسی بود. همچنین اغلب رهبران و فرماندهان ارتش ارتباط تنگاتنگی با حزب کنگره مردمی و شخص علی عبدالله صالح داشتند که ارتش را به عنوان یکی از ابزارهای مهم حزب مطرح ساخته بود. در مجموع این سیاست نه تنها باعث توسعه و پیشرفت داخلی یمن نشد، بلکه این کشور را روز به روز به سمت فقر و عقب ماندگی بیشتر سوق داد.

با توجه به آنکه سیاست خارجی کشورها به نوعی ادامه سیاست داخلی آنها محسوب می‌شود، حکومت صالح به رغم برخی اختلافات اولیه با سعودی‌ها به تدریج به سمت نوعی از همکاری و همکاران با سیاست عربستان سعودی در منطقه حرکت کرد. در نتیجه عربستان سعودی به نظریه کنترل نقش منطقه‌ای یمن از طریق ارتباط ویژه با حکومت صالح پرداخت. صالح نیز سعی در کسب کمک‌ها و حمایت‌های خاص عربستان سعودی در جهت تأیید حاکمیت خود در یمن داشت. از این رو روز به روز نقش منطقه‌ای یمن تضعیف و استقلال سیاسی آن تحت تأثیر نوع حکومت صالح و رویکرد سلطه‌طلبانه عربستان سعودی به تحلیل رفت. این شرایط باعث ایجاد اعتراضات گسترده و سراسری مردم یمن در سال ۲۰۱۱ برای کنار زدن صالح از قدرت و حرکت تدریجی به سوی بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی داخلی و همچنین ترمیم نقش منطقه‌ای این کشور شد.

در واقع خیزش مردمی یمن در سال ۲۰۱۱ واکنشی در مقابل عقب ماندگی و عدم

توسعه یافتگی داخلی از یک سو و تضعیف استقلال ملی و نقش منطقه‌ای این کشور بود. در این بین ابتکار شورای همکاری خلیج فارس با طرحی برای جلوگیری از دگرگونی جدی در ساختار قدرت و به خصوص نقش منطقه‌ای یمن بود و موانع جدی در برابر تحقق مطالبات مردمی ایجاد کرد. تحولات بعدی در این کشور یعنی شروع و گسترش دوباره اعتراضات مردمی به رهبری انصارالله و نارضایتی ارتش یمن از وضعیت جدید باعث شد تا تحولات یمن وارد مرحله جدید و متفاوتی شود. در این مرحله در حالی که منازعات درونی یمن گسترش یافت و تحولات به سمت سیطره انصارالله بر تمامی یمن پیش رفت، تجاوز نظامی عربستان سعودی، روندهای نظمی دایر روندها و دستورکارهای سیاسی اولویت داد.

تجاوز نظامی عربستان سعودی و متحدین آن به یمن، واکنشی برای تلاش انصارالله برای در دست گرفتن قدرت و در نتیجه، هدایت این کشور به سمت توسعه داخلی و به خصوص نقش منطقه‌ای مستقل بود، اما سعودی‌ها هرگز حاضر به خارج شدن یمن از کنترل خود و حرکت به سمت ایفای نقشی مستقل در منطقه نبودند. بر این اساس بود که واکنشی رادیکال در قالب حملات نظامی گسترده نسبت به قدرت‌گیری انصارالله ساز دادند. لذا یمن وارد مرحله نوینی شد که نشانگر افزایش اهمیت استراتژیک منطقه‌ای آن و تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین بحران‌ها در خاورمیانه است. به خصوص اینکه عربستان سعودی، یمن را به عنوان یکی از حوزه‌های رقابت مهم منطقه‌ای خود با ایران تلقی می‌کند و نسبت به نقش منطقه‌ای آن به شدت حساس است. در حالی که سعودی‌ها خواستار تداوم نقش گذشته یمن به عنوان کشوری تحت کنترل هستند که خارج از چارچوب‌های طراحی شده از سوی شورای همکاری حرکت نمی‌کند، ایران به ایفای نقش منطقه‌ای مستقل و جدید از سوی یمن تمایل دارد. بر این اساس تحولات یمن و نقش کلیدی انصارالله به موضوعی مهم در

چارچوب توازن قدرت منطقه‌ای تبدیل شده و بررسی آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

در کنار اهمیت منطقه‌ای بررسی انصارالله یمن، جنبه مهم دیگری که آن را برای مطالعه بیشتر پراهمیت می‌سازد با نگاه به انصارالله به عنوان یک جنبش مذهبی - سیاسی با دیدگاه‌های ایدئولوژیک خاص خود است. از این منظر می‌توان انصارالله را به رغم ریشه‌های کهن آن، یکی از جدیدترین نمونه‌های جنبش‌های اسلامی و سیاسی در منطقه خاورمیانه تلقی کرد که نزدیکی‌های خاص با انقلاب اسلامی و چارچوب‌های ایدئولوژیک و سیاسی آن دارد. انصارالله به لحاظ خلق با مذهب زیدی به صورت اصولی به شیعیان نزدیک هستند، اما نکته مهم‌تر تأیید سیر این جنبش از انقلاب اسلامی به لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی است. شعارهای پنج‌گانه انصارالله (الله‌اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود؛ و زنده باد اسلام) نزدیکی جدی این جنبش با اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. در عرصه عمل نیز این جنبش علاوه بر پیوند فکری - سیاسی و عینی با جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن رفتارهایی را از خود بروز می‌دهد که در چارچوب اهداف و طرح‌های منطقه‌ای ایران جای می‌گیرد.

انقلاب اسلامی ایران آغاز مرحله نوینی در روابط بین‌الملل و شرایط منطقه‌ای غرب آسیا بود که باعث ظهور دولتی اسلامی و مستقل و سواستار آزادی عمل در عرصه سیاست خارجی خود شد. همچنین این انقلاب و بازتاب‌های آن به ظهور تدریجی جنبش‌های اسلامی برجسته‌ای منجر شد که به بازیگرانی مهم در منطقه تبدیل شدند و به عنوان عناصری مهم در منظومه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران عمل کردند. حزب‌الله لبنان به عنوان مهم‌ترین جنبش اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی بود که به تغییراتی استراتژیک در معادلات منطقه و منازعات

اعراب با رژیم صهیونیستی انجامید. جنبش انصارالله نیز به عنوان جدیدترین نوع از این جنبش‌ها محسوب می‌شود که از ظرفیت‌های مهمی برای ایجاد تغییر در حوزه جنوب شبه جزیره عربی برخوردار است و به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک از جنبش‌های متأثر از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. از این رو بررسی انصارالله به عنوان جنبشی سیاسی - مذهبی متأثر از انقلاب اسلامی نیز در عرصه بررسی‌های مربوط به انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی و سیاست نهضتی و خارج از جمهوری اسلامی ایران اهمیت بالایی پیدا می‌کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۹م برخی زیدی‌های یمن طرحی را مبنی بر ایجاد یک جنبش دینی - سیاسی ارائه کردند. این طرح در سال ۱۳۸۲م توسط علامه صلاح فلیته در استان صعده مورد تأیید و بررسی قرار گرفت. در همین راستا «اتحاد الشباب» در سال ۱۳۸۶م شکل گرفت.

در سال ۱۳۸۸م فعالیت اتحاد الشباب با توجه به بازگشت سران زیدی که متعاقب انقلاب ۱۳۶۲م به عربستان گریخته بودند، به شدت گسترش یافت. سال ۱۳۹۲م هسته مرکزی و اولیه جریان «متمدنی الشباب المؤمن» به معنای «انجمن جوانان مؤمن» به دست محمد سالم عزان، عبدالکریم - مدان، محمد بدرالدین الحوثی و تعدادی دیگر شکل گرفت. در سال ۱۳۹۷م نام انجمن از یک مفهوم فرهنگی به مفهوم سیاسی تغییر کرد و به «تنظیم الشباب المؤمن» به معنای «سازمان جوانان مؤمن» تغییر پیدا کرد و مسئولیت آن به سید حسین بدرالدین الحوثی منتقل شد، در حالی که پدر وی نیز مرجعیت عالی سازمان را بر عهده داشت. وقتی سید حسین وارد سازمان شباب المؤمن (جوانان مؤمن) گردید، رویکرد مذهبی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی آن را با آموزش‌های نظامی تحت الشعاع قرار داد و آموزش‌های نظامی را نیز در کنار آموزش‌های فرهنگی و

مذهبی به جوانانی که به شباب المؤمن می پیوستند، ارائه داد. دولت یمن با مشاهده این وضعیت، فعالیت های شباب المؤمن را محدود کرد. بعد از محدود شدن فعالیت های سید حسین از طرف دولت، وی در حیدان سکونت گزید و کار تبلیغی را در مسجد بزرگ این منطقه که در شرق صعده واقع است شروع و از سال ۱۹۹۹ با عنوان امام جمعه مسجد حیدان به صورت جدی افکار خود را طی چهار سال تبلیغ کرد و از حیدان کار خود را به مران و سایر مناطق صعده گسترش داد. در همین دوران زمینه های حرکت زیدیه به رهبری سید حسین بدرالدین الحربی با شعار استکبارستیزی و مقابله با آمریکا در سطح مناطقی از یمن به وجود آمد. سید حسین به رغم اینکه به دلیل جانبداری از انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و حزب الله لبنان و حمایت از مقاومت اسلامی فلسطین با رژیم صهیونیستی و عبدالله صالح دچار اختلاف شده بود، همچنان با شجاعت، سیاست های مداخله جوانانه آمریکا در یمن را محکوم می کرد.

در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲م سید حسین الحوثی خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد. وی شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهود و پیروز باد اسلام» را شعار رسمی جنبش اعلام کرد و طرفداران وی پس از هر نمازی این شعار را سر می دادند. شخصیت ضد استکباری و تقید او به اسلام باعث شد تا جمعیت های زیادی در یمن از او پیروی کنند. منش و روحیه سید حسین موجب افزایش محبوبیت وی در یمن به ویژه میان زیدی ها گردید و باعث شد تا علی عبدالله صالح با او به شدت مخالفت کرده و او را تحت فشار قرار دهد. از سال ۲۰۰۲م حکومت یمن به بهانه اینکه حوثی ها در صدد به دست گرفتن قدرت و بازگرداندن حکومت ائمه زیدی هستند و از طرف جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان حمایت می شوند، اقدام به دستگیری و بازداشت جوانان طرفدار وی نمود، اما زمانی که رژیم پی برد با دستگیری

طرفداران حوثی کار به جایی پیش نخواهد برد، تصمیم گرفت تا با قوه قهریه آنها را سرکوب کند.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر علی عبدالله صالح برای تضعیف و از بین بردن جنبش الحوثی از فرصت استفاده نمود و با طرح اتهامات واهی سعی نمود تا مقامات آمریکایی را متقاعد کند که جریان سید حسین الحوثی خطری بیش از خطر القاعده در یمن می‌باشد و توسط ایران و حزب‌الله حمایت می‌شود، از شیوه امام خمین (ره) پیروی کرده و شعار استکبارستیزی سر می‌دهد و می‌خواهد دولتی شبیه ایران به وجود آورد. اضافه بر آن، یمن کشورهای عرب خلیج فارس بخصوص عربستان سعودی را قانع کرد که الحوثی، شیعه اثنی عشری است و چنانچه پیروز شود، شیعیان، عربستان را محاصره خواهند کرد. در این میان الحوثی و یارانش کاملاً متوجه این ترس شدند و فهمیدند که دولت می‌خواهد پرونده تروریسم و مشکلات پیش آمده را با گرفتن زیدیه بیندازد.

علی عبدالله صالح (رئیس‌جمهور وقت یمن) برای کسب حمایت ایالات متحده آمریکا و همچنین برخی کشورهای غربی دیگر در سال ۲۰۰۴م راهی نشست سران هشت کشور صنعتی در آمریکا شد. و بعد از بازگشت از آمریکا و تحریک سیاستمداران آمریکایی علیه حوثی‌ها، توانست پراخ سبز کاخ سفید را برای جنگ با حوثی‌ها به دست آورد و لذا بلافاصله به بهانه دستگیری سید حسین الحوثی، ارتش را روانه صعهه کرد و کشتار خونینی به راه‌انداخت. کشتار رژیم یمن در صعهه با حمایت‌های منطقه و بین‌المللی و همچنین سانسور شدید رسانه‌ای همراه بود. این جنگ تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴م که شهر مران به تصرف ارتش درآمد و سید حسین شهید شد، ادامه داشت. پس از شهادت سید حسین، علی عبدالله صالح گمان می‌کرد که بر منطقه صعهه و زیدی‌های آن مسلط خواهد شد. اما به‌رغم گمان وی، این روند ادامه یافت و جنگ‌های دیگری بین آنها ایجاد

شد که به جنگ‌های شش‌گانه صعده مشهور شد.

پس از شهادت سید حسین بدرالدین الحوثی، در مقطعی علامه بدرالدین رهبری جنبش را بر عهده گرفت و طی جنگ سوم، سید عبدالملک الحوثی فرزند کوچکتر وی و برادر سید حسین، رهبری جنبش را بر عهده گرفت و تا زمان انقلاب فوریه سال ۲۰۱۱ همچنان دولت از جنگ و چالش با حوثی‌ها کوتاه نیامد، ولی به‌رغم حمایت‌های گسترده خارجی از سرکوب حوثی‌ها از جمله آمریکا، عربستان سعودی، شورای همکاری خلیج فارس و... دولت نتوانست به دستاورد چشم‌گیری در جهت تضعیف و نابودی جنبش الحوثی برسد.

لازم به ذکر است که مسئله امامان زیدی به خاطر حکومت بیش از هزار و دویست ساله خود بر یمن که بعضاً با انتقاداتی نیز همراه است، در میان مردم از سابقه خوبی برخوردار نبودند و لذا احباب می‌کرد جنبش انصارالله که به عنوان نظام ائمه زیدی معرفی شده با انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر و مستمر، این سابقه را از ذهن مردم پاک کند. این امر بعد از آغاز انقلاب جوانان در فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی در این کشور با سرعت بیشتری پیش رفت و انصارالله توانست پس از تحمل چندین سال سرکوب و نظام و ستم و تبلیغات منفی حکومت علی عبدالله صالح، از فضای سیاسی بازتری که نسبت به گذشته ایجاد شده بود، بهره‌برداری نموده و به جمع انقلابیون بپیوندد و با فعالیت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی در استان‌ها و شهرهای مختلف یمن، افکار خود را به مردم معرفی کرده و وجهه خود را بهبود بخشید و جایگاه مردمی خود را در یمن گسترش داده و تقویت نمایند و نام «انصارالله» را نیز بر خود نهادند. اعضای انصارالله موفق شدند خود را وارد عرصه سیاسی یمن کنند و با تحلیل درستی که از اوضاع یمن داشتند، به عنوان یک جریان فعال و قدرتمند سیاسی نقش مهمی را در روند تحولات یمن ایفا کنند و فریب تبلیغات جریان‌ها و کشورهای

فرصت طلب را نخورند و نقشه‌ها و برنامه‌های آنها را برملا کنند و به یک قدرت نظامی و سیاسی بی نظیر و دارای یک رهبر قوی تبدیل شوند.

آنچه باعث مطرح شدن جدی انصارالله در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شد، تحولات بعد از ۲۰۱۴ و در دوره ریاست جمهوری عبدالربه منصور هادی بود. در این دوره نوع مدیریت منصور هادی که در چارچوب طرح شورای همکاری خلیج فارس صورت می‌گرفت، باعث به نتیجه نرسیدن مطالبات مردمی و آغاز دوباره اعتراضات مردمی شد. در چنین شرایطی انصارالله به عنوان نیروی سیاسی و امنیتی فعال انقلابی وارد عمل شد و رهبری جریان اعتراضات را در دست گرفت. البته در همین حال قدرت نظامی انصارالله و تسلط آن بر مناطق شمالی یمن یعنی صعدة و عمران نیز شروع شده بود و سرانجام به سیطره این جنبش بر صنعاء انجامید. با این حال اعتراضات و درگیری‌ها بین انصارالله و ارتش یمن از یک سو و دولت منصور هادی و متحدین آن مانند حزب اصلاح از سوی دیگر سرانجام به خروج هادی از یمن و تسلط ارتش و انصارالله بر سراسر یمن منجر شد. اما عربستان سعودی که شرایط جدید را به زیان خود ارزیابی می‌کرد با اقدام به تجاوز نظامی به آغاز مرحله جدیدی در عرصه سیاسی و امنیتی یمن دست زد. با توجه به اهمیت بررسی و تحقیق در خصوص انصارالله، تحقیقات انجام شده در ایران و کشورهای دیگر نشان می‌دهد که تاکنون در این باره کتابی نگاشته نشده است و تنها برخی مقالاتی درباره آن نوشته شده است. با توجه به آنکه موضوعات مختلف مربوط به اهمیت انصارالله به خصوص جایگاه آن در جنبش‌های اسلامی و مسائل منطقه‌ای خاورمیانه پژوهشی صورت نگرفته است. کتاب حاضر در این رابطه تا حدی بدیع محسوب می‌شود. این کتاب حاصل مطالعات پراکنده و رصد ۱۳ ساله اخبار و مقالات و یک سال فعالیت پیوسته و مصاحبه‌های مختلف تخصصی با بعضی فعالان سیاسی یمن می‌باشد.